Religion and Health

ORIGINAL ARTICLE
Special Issue Allameh Hassanzadeh Amoli
2023, Pages: 53-66.

Negative Behavior in the Belief-Moral Health from the Perspective of Allameh Hassanzadeh Amoli

Mohammad Javad Roudgar[1*]

1- Professor at "Mystic Department" in Research Institute for Islamic Culture and Thought (iict)

***Corresponding Author:**
Mohammad Javad Roudgar
Professor at "Mystic Department" in Research Institute for Islamic Culture and Thought (iict)

Email:
Dr.mjr345@yahoo.com

Abstract

The inferring, rather referring to the Sulūki logic and school of Allameh Hassanzadeh Amoli and its expression and explanation, have a particular scientific and practical importance and necessity. This study aimed to provide a descriptive report based on the method of citation, observation, and inference with corresponding, explicit, and implied implications of Allameh's thoughts and works. This is because in Allameh's sulūki geometry, negative and positive sulūk in a systematic and interwoven manner lead the monotheism salek to the home of purpose and the ultimate goal of knowledge and spirituality; as a result, he reaches the position of complete annihilation and then the heart intuition of the God's Beauty and Face. Health in mystical moral conduct in the words and deeds of Allameh Hassanzadeh Amoli has various signs, such as negative signs of health in the field of beliefs, the rejection of doubt, suspicion, and polytheism, and in the field of ethics, the rejection of carnal tendencies, such as lust, belly, and fame-seeking, in addition to the disclaimer of the desire to sin and escape from religious and moral sins (sulūki dignity). More important than the mentioned cases in the process from sulūki to intuition is the denial of selfishness, having non-godly motives during sulūki stations and the levels corresponding to each station, avoiding the excluded ones of the intuitive sulūki, avoiding non-Sharia and non-Valiyah conduct and in other words (positive expression) sulūki care in all stages and levels of spiritual health. Negative conduct during positive conduct is the infrastructure of achieving existential perfections, spiritual authorities, and occult conquests, which has stages and levels firstly, and secondly, some requirements, such as accepting Velayet and constant self-care.

Keywords: Allameh Hassanzadeh Amoli, Mohammadi Sharia, Moral health, Negative sulūk, Self-Care

▶ **Citation:** Roudgar M J. Negative Behavior in the Belief-Moral Health from the Perspective of Allameh Hassanzadeh Amoli. Religion and Health, Special Issue Allameh Hassanzadeh Amoli 2023: 53-66 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

دین و سلامت

مقاله پژوهشی اصیل

ویژه نامه علامه حسن زاده آملی۱۴۰۲ صفحه: ۶۶-۵۳.

سلوک سلبی در ساحت سلامت اعتقادی - اخلاقی از منظر علامه حسن زاده آملی

محمد جواد رودگر [1*]

۱- استاد تمامِ گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

*** مؤلف مسئول:**
محمد جواد رودگر
استاد تمامِ گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

Email:
Dr.mjr345@yahoo.com

چکیده

اصطیاد و استنباط و بلکه استناد به منطق و مکتب سلوکی علامه حسن زاده آملی(رض) و بیان و تبیین آن از اهمیت و ضرورت علمی و عملی خاصی برخوردار است. هدف از پژوهش حاضر گزارش توصیفی تحلیلی با تکیه بر روش استنادی، اصطیادی و استنباطی با دلالت های تطابقی، تضمنی و التزامی از اندیشه و آثار علامه است، زیرا در هندسه سلوکی علامه، سلوک سلبی و ایجابی بصورت منظومه ای و درهم تنیده سالک توحیدی را به سرمنزل مقصود و غایت قصوای معرفت و معنویت سوق و سیر می دهند تا به مقام فنای تام و آنگاه شهود قلبی جمال رب و وجه الله نائل گردد. سلامت در سلوک اخلاقی عرفانی در کلام و کردار علامه حسن زاده آملی نشانه هایی دارد مانند: نشانه های سلبی سلامت در ساحت اعتقادیات سلبِ شک، شبهه و شرک و در ساحت اخلاقیات سلبِ گرایش های نفسانی مانند شهوت، شکم و شهرت طلبی، افزون برآن سلبِ میل به گناه و گریز از گناهان شرعی و شأنی(شأن سلوکی) است و مهمتر از موارد یادشده در فرایند از سلوک تا شهود نیز عبارتند از: سلبِ خودگرایی، انگیزه غیر خدایی داشتن در طی منازل سلوکی و مراتب متناظر به هر منزل،دوری از نامحرمانِ سلوکی شهودی، اجتناب از سلوکِ غیر شرعی و غیر ولائی و به بیان دیگر(بیان ایجابی (مراقبت سلوکی در تمام مراحل و مراتبِ سلامتِ معنوی. سلوکِ سلبی در طول سلوکِ ایجابی زیرساخت نیل به کمالات وجودی، مقامات معنوی و فتوحات غیبی است که اولا دارای مراحل و مراتب و ثانیا الزاماتی مانند ولایت گرایی و مراقبت نفس دائمی است.

واژه‌های کلیدی: سلامت اعتقادی-اخلاقی، سلوکِ سلبی، علامه حسن زاده آملی، مراقبت نفس

◄ **استناد:** رودگر، محمد جواد. سلوک سلبی در ساحت سلامت اعتقادی - اخلاقی از منظر علامه حسن زاده آملی. دین و سلامت، ویژه نامه علامه حسن زاده آملی۱۴۰۲: ۶۶-۵۳ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

مقدمه

بیان مسأله

سلوک الی الله تا شهود وجه الله و مظهر جمال و جلال الهی شدن،"سیر" و "طیر"ی طلب می کند که آگاهیِ انفسی، آگاهی درونی و اراده محکم همه جانبه می خواهد تا سالک منازلِ سلوکی را به فتوحاتِ معنوی ختم کند که " خِتَامُهُ مِسْکٌ"(۱) و این آغازِ سلوک به سرانجامِ وصول رسیده و" وَفِی ذَلِکَ فَلْیَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ"(همان) که ترجمه عینی این تجربه معرفتی، شهودی و وجودی را می تواند در حیات طیبه علامه حسن حسن زاده آملی درک و دریافت کرد. او که مصداق باهرِ: "فِی الْأَرْضِ مَجْهُولُونَ وَ فِی السَّمَاءِ مَعْرُوفُونَ" (۲) بود. عنوان سلوک سلبی برگرفته و الهام یافته مطلبی متین و سخنی سَدید از علامه حسن زاده آملی است که نوشته اند:"الهی! همه گویند بده، حسن گوید بگیر"(۳) و شرح و بیان نکته نغز و پر مغز علامه را می توان در سخنِ صائب استاد شهید مطهری(رض) ملاحظه کرد که فرمود:"یکی از بزرگان چه نکته خوبی می گفت که ما همیشه وقتی دعا می کنیم به خدا می گوئیم خدایا به ما بده، هیچ وقت دعا نمی کنیم خدایا از ما بگیر، درصورتی که ما به این دعا بیشتر احتیاج داریم. تا این هائی که از ما باید بگیرد از ما نگیرد هیچ چیز قابل دادن نیست. ما باید بگوئیم خدایا حب جاه و مال را از ما بگیر، این حسادتها را از ما بگیر، این کینه ها و عقده ها و این کدورتها قلبی و این شک ها، این شرک ها و این کبرها را از ما بگیر"(۴). حقیقت سلوکی بیان شده را می توان با سه مؤلفه: الف) تذکیه عقل یا فطانت و هوشمندی خردگرایانه (که توسعه فکری، خرد ناب، عقلانیت اسلامی رهآورد آن است) تزکیه نفس (که سلوک اخلاقی – عرفانی نتیجه‌اش خواهد بود) و ج) تضحیه نفس تضحیه نفس یا قربانی و فدا کردن خود برای خدا (که جوهر سلوک الی الله و گوهر عرفان عملی یعنی نیل به مقام فنای فی الله و فنای در فنا است) تجربه علمی و عملی کرد و مگر عرفان عملی چیزی غیر از این واقعیت و حقیقت است؟ بطور قطع غیر از این نیست و امیرالمومنین علی(ع) در فقره پایانی مناجات شعبانیه به همین رهایی از ماسوی الله و مواجهه سلبی با غیر خدا در سایه نور ابتهاج الهی و عرفان به حقیقه الحقایق فرمود:" اِلهی وَأَلْحِقْنی بِنُورِ عِزِّکَ الْأَهَجِ، فَأَکُونَ لَکَ عارِفاً، وَعَنْ سِواکَ مُنْحَرِفاً، وَمِنْکَ خائِفاً مُراقِباً، یا ذَا الْجَلالِ وَالاِکْرامِ "(۵) و معنای "قلب سلیم"(۱)(إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ" امام صادق (علیه السلام) در پاسخ سؤالی پیرامون این آیه فرمود: «القلب السلیم الذی یلاقی ربه و لیس فیه احد سواه»(قلب سلیم، قلبی است که خدا را ملاقات کند در حالی که غیر از او در آن نباشد)(۸/ ۹)) نیز همین است و دیگر هیچ، زیرا غیرت حق تعالی نمی گذارد عاشق او در گرو معشوق دیگری باشد و خدا "غیور" است و غیر را برنمی تابد...آری شراب طهور عشق به حق تعالی، ماسوای او را شستشو دهد و "طهرهم عن کل شئی سوی الله إذ لا طاهر من تدنس بشیء من الأکوان إلا الله "(۶) و رک:۷)(از امام صادق(ع) نقل شده است: این شراب، جسم و جان آنان را از همه چیز، جز از ذات پاک و بی‌همتای خدا، پاک و پاکیزه می‌سازد؛ چرا که تنها ذات پاک خدا و یاد و نام او است که انسان را از آلوده شدن به پاکی‌ها و نارواها باز می‌دارد.(۶) و رک: ۷)) صورت گیرد و این می‌شود موحد محض. این موحد محض چیزی را با خدا نمی‌خواهد، هر چه را اگر بخواهد در راه خدا می‌خواهد.

ای انسان! اسیر محیطی که در آن متولد شده‌ای نباش، اسیر خشت و گل نباش. انسان باید برای خود این مقدار آزادی و حریت و استقلال قائل باشد که نه خود را اسیر و زبون منطقه و آب و گل کند و نه اسیر و زبون عادات و عرفیات و اخلاق زشتی که محیط به او تحمیل کرده است باشد. «اَلْمُهاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئاتِ» مهاجر کسی است که بتواند از سیئات، بدی‌ها، پلیدی‌ها، زشتی‌ها و صفات بد جدا شود. هجرت یعنی جدا شدن از زشتی‌هایی که بر انسان احاطه پیدا کرده، آزاد کردن خود از پلیدی‌های مادی و معنوی که بر انسان احاطه پیدا کرده است"(۱۰) به تعبیری دیگر از علامه:" آنهایی که مواظب هستند و کتاب وجود خودش را با حروف باطل،

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

هرچه که باشد، نمی نگارد، ایشان در این زمینه رستگارند"(۷) و" نیک بخت آنکه کتاب وجودخودرا مواظب باشد وکلمات هرزه دراین دفترالهی ننویسد واین صنعت وکارخانه الهی راحفظ بنماید تادرست حروفچینی شود ونقش بگیرد ودرست معارف راکسب کند... "(۷).

بنابراین انسانِ سالکِ کوی کمال مطلق لازم است در صدد پاکسازی و نزاهت تزکیهٔ نفس برآید و طهارت ظاهری و باطنی یابد تا سنخیت وجودی با آن پاکان مطلق که مصداق اتم و اکمل «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» (۱) هستند، پیدا نماید چنان که پیامبر اعظم (ص) فرمود: «دُم علی الطهارهٔ یوسِّع علیک الرزق» (۱۱). یعنی پیوسته به طهارت باش تا توسعهٔ رزق پیدا کنی و این رزق در درجهٔ اول رزق معانی، معارف و حقایق و قرب الهی است که یکی از آنها اعتلای به فهم خطاب محمدی (ص) و شناخت و شهود حقایق قرآنی و معالم نبوی، علوی و ولوی است(ر.ک:۷):"والتبه مراد از روزی، روزی انسان من حیث هو انسان است، چون روزی حیوان برای همه هست..."(ر.ک:۷) و به تعبیر اصحاب اخلاق و عرفان: تجلیه، تخلیه، و تحلیه می‌طلبد تا انسان به مقام فناء آن هم فنای فعلی، صفاتی و ذاتی برسد(ر.ک: ۷/ ۱۲). این است که امام صادق (ع) در وصف روح مومن فرمود: "ان روح المؤمن لاشد اتصالاً بروح اللّه من اتصال شعاع الشمس بها"(۹) که به تعبیر استاد علامه حسن زاده آملی "لاشدّ اتصالاً" این مقام، مقام وصول است (۱۲ و ر.ک: ۷) تا لذت دیدار دوست و شَهِد شهود حق سبحانه و لقاء رب را تجربه نماید و در همین جهان غرق در معارف ربوبی و لذت معنوی، عقلانی و عرفانی شود (ر.ک: ۱۳). آری سلوک سلبی در مقام "معراجِ تحلیلی" یا عروج در قوس صعودکاربست وافر و وافی داشته و در "معراج عود" یا بازگشت به سوی خلق و یا سفری از حق به سوی خلق جهت استکمال و تربیت نفوس مستعده نیز کارآمدی خاص و کارکرد فراوانی خواهد داشت (۱۴).

سلوک سلبی از جهتی تقدم رتبی بر سلوک ایجابی دارد و شبیه به کلمه طیبه توحیدی"لَا إِلَهَ إِلَّا اللّهُ"(علامه در خصوص اهمیت و ارزش این کلمه نوشته اند:"در روز رستاخیز هر کار نیک سنجیده شود، جز گواهی دادن به لااله الاالله که آن را در ترازو ننهند، چه اگر در ترازو رود، آسمان ها و زمین های هفت گانه با وی برابری نکنند. (کنایه از این که ثواب این کلمه را نهایت نبود، به شمار نیاید و هیچ چیز هم سنگ او نگردد".) که ترکیبی از سلب و ایجاب است، سلوک درمشربِ سلوکی علامه نیز ترکیبی از سلب و ایجاب است، اگرچه علامه در اوج معرفت و معنویت سلوکی اش نوشته اند:" الهی از گفتن نفی و اثبات (لا اله الا الله)شرم دارم که اثباتیم؛ "لا اله اله الله "را دیگران بگویند و "الله "را حسن"(۳) یا نوشتند:"من الله الله گویم، اگرچه لااله الا الله گویم"(همان، ص۱۵) که مفاهیمِ اخلاقی – سلوکی تخلیه و تحلیه در پرتو تجلیه نیز بیانی دیگر از آن خواهد بود و در این مفاهیم مرحله ای نیز تخلیه تقدم رتبی بر تحلیه دارد. همانطور که علامه فرمود:" شکار کردن معارف و حقایق بدون تصفیه و تزکیه و تجلیه و تخلیه و تحلیه ممکن نمی شود. نیک بخت آنکه کتاب وجود خود را مواظب باشد و کلمات هرزه در این دفتر الهی ننویسد و این صنعت و کارخانه الهی را حفظ بنماید تا درست حروف چینی شود و نقش بگیرد و درست معارف را کسب کند"(۷) اکنون مسئله بنیادین نوشتار پیش روی این است که آیا می توان سلوکِ سلبی را در منظومه فکری علامه از حیث نظری و هندسه سلوکی علامه از حیث عملی اصطیاد و استنباط و حتی استناد کرد؟

سلوک سلبی در ارتباط منطقی و نظام مند با سلوک ایجابی تمامیت و کمال سلوکیِ سالک را تشکیل داده و او را در منازل سلوک تا شهود تحت پوشش قرار خواهد داد و هندسه تدبیری – تربیتی سالک را بصورت منظومه ای تعیین و تأمین می کند، از این جهت سلوک سلبی را می توان در یک ساختارِ منطقی و هندسه معرفتی بهم پیوسته در ساحات و سطوح سه گانه کلی و کلان ذیل تعریف و تنظیم کرد: الف) ساحت بینشی سلوکِ سلبی ب) ساحت منشی سلوکِ سلبی و ج) ساحت کنشی سلوکِ سلبی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

هدف از پژوهش حاضر، گزارشی توصیفی از سلوک سلبی در ساحت سلامت اعتقادی - اخلاقی با تکیه بر روش استنادی، اصطیادی و استنباطی با دلالت های تطابقی، تضمنی و التزامی در اندیشه و آثار علامه است.

مواد و روش‌ها

این مطالعه یک پژوهش تحلیلی-محتوایی است که به منظور تحقیق و تحلیل " سلوکِ سلبی در اندیشه و آثار علامه حسن زاده آملی(رض)"، در قالب منطق استنادی، استنباطی و اصطیادی انجام شده است. قلمرو بررسی شامل قرآن و منابع تفسیری، روایات اسلامی شیعه، منابع کلامی و فقهی شیعه و نیز مقالات منتشرشده است.

یافته‌ها

تبیین مفاهیم کلیدی یا مبادی تصوری نقش اساسی در تبیین محتوایی سلوک سلبی و پیشگیری از مغالطات نظری و عملی، مغالطه های لفظی و معنوی و اشتباه و تشابه معرفتی در این زمینه خواهد داشت. بنابراین در مسئله مورد تحقیق، به بیان و تبیین اجمالیِ دو مفهومِ محوری سلوک و سلوک سلبی می پردازیم:

سلوک

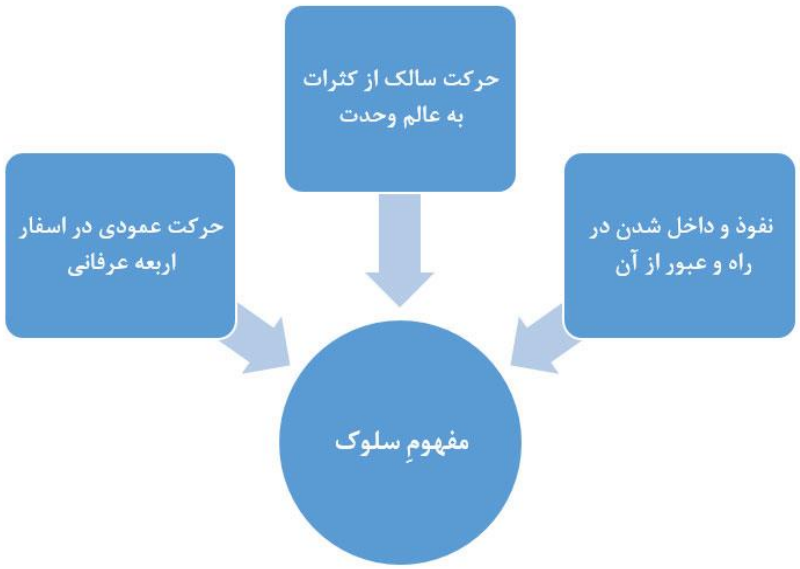
در تبیین و تعریف سیر و سلوک عرفانی بایسته است از دو منظر لغوی و اصطلاحی بدان پرداخته شود. سیر و سلوک را در لغت چنین معنا کرده اند:

واژه سیر در لغت مصدر است و از ریشه «سار» به معنای حرکت کردن در مسیری است (۱۵). واژه سلوک نیز از ریشه «سلک» به معنای نفوذ و داخل شدن در راه و عبور از آن است؛ راغب در مفردات می‌نویسد:« السُّلُوکُ: النّفاذ فی الطّریق، یقال: سَلَکْتُ الطّریق»(۱۶) ؛ برخی دیگر از لغویون نیز همین معنا را بیان نموده‌اند (۱۷/ ۱۸)؛ بنابراین می‌توان گفت معنای لغوی ترکیب عطفی سیر و سلوک ورود و حرکت در مسیری و طی کردن آن است.

اما در اصطلاح سیر و سلوک یک اصطلاح عرفانی است و سلوک به معنای پیمودن راه، و سیر، یعنی تماشای آثار و خصوصیّات منازل و مراحل بین راه و در مجموع به معنای حرکت سالک از عالم طبع و کثرات و رفتن به سمت معرفت الله و عالم خلوص و وحدت و رهایی از تعلقات مادی است(ر.ک: ح۱۹/ و طوسی، ۱۳۶۱،ص۵ وص ۱۰۱) جالب این است که علامه حسن زاده آملی نیز به نقل از بزرگان حکمت و معرفت چنین آورده اند: «سلوک عبارت از سیر الی الله ، و سیر فی الله است، سیر الی الله نهایت دارد، اما سیر فی الله نهایت ندارد ، یعنی سلوک عبارت از رفتن است ، از اقوال و افعال و اخلاق بد، یا اقوال و افعال و اخلاق نیک و از هستی خود ، به هستی خدای ، چون سالک با اقوال و افعال و اخلاق نیک ملازمت نماید ، انوار معارف بر وی ظاهر می گردد و حقایق اشیاء گاهی بر وی منکشف شود و از هستی خود بمیرد و به هستی خدای زنده گردد»(۲۱). بنابراین سلوک، حرکت از مقامی به مقام دیگر و از حکمی به حکم دیگر تا جایی‌که انسان به مراتب عالی معنوی و کمال حقیقی نائل گردد. ناگفته نماند که اگرچه سیر و سلوک، یک حرکت باطنی و ترقی در مراتب قرب به خدا به حساب می‌آید، اما پرداختن به ظاهر نیز در سلوک، مورد توجه عارفان بوده است؛ چنانکه کاشانی در کتب خویش بدان تصریح کرد(۲۲). در دانش زیست شناختی تبیین و ثابت شد که حشرات برای تجربه زندگی های متکثر و متنوع باید شکافتگی و شکفتگی را پشت سر گذاشته و از «عمق هستی» متحول شوند. تحولی وجودی و ذاتی که به "دگردیسی" موسوم است. دگردیسی که درپرتو حرکت "جوهری اشتدادی" حادث و در سایه "تجدد امثال" حاصل و آنگاه در ظلِ "حرکت حبی" تشخص می یابد(ر.ک: ۲۳)(درخصوص فهم هرچه بهتر حرکت های سه گانه جوهری، تجدد امثالی و حبی) که به تعبیر علامه:" و همه در حرکت، از حرکتِ حُبّی تا حرکتِ طبیعی که"کُلّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْن" (۱) - "إِنّ الدّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَیَوان" (۱) - "وَ تَرَی الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِیَ تَمُرُّ مَرّ السّحاب" (۱) (۲۴).

جالب این است که سیر و سلوک با سه عنصر: سالک، مسلک و مسلوک الیه مواجه است تا سلوک با هدف نیل

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

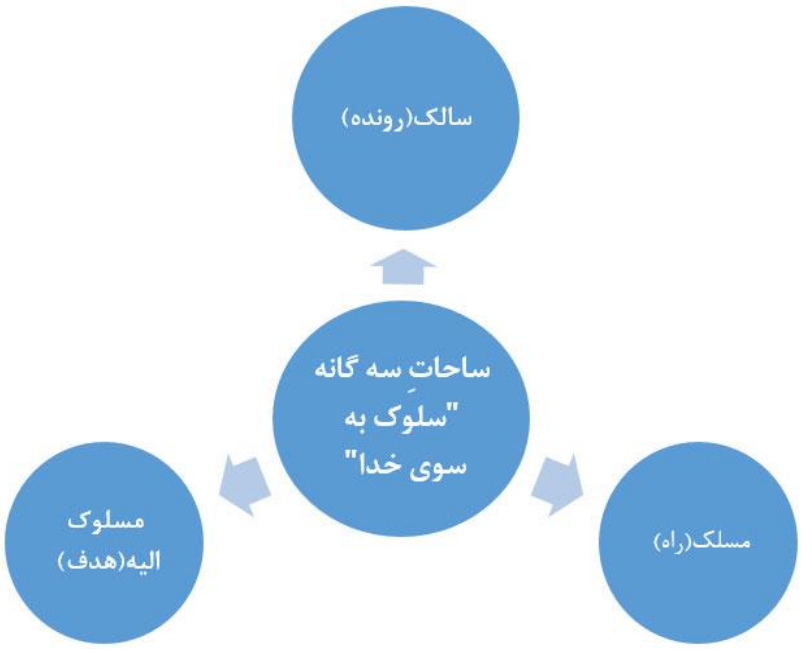


¶

به شهود محقق شود که نمودار بالا نشان دهنده عناصر یاد شده هستند.

سلوک سلبی

سلوک سلبی به معنای سلبِ اعتقادات تقلیدی، ظنی و ممزوج با شک و شرکِ معرفتی از یک سو و از دیگر سو سلبِ اخلاقیات منفی و مذموم مانند عُجب، تکبر، غرور، حسادت، خیانت به امانت، بی وفایی و سایر رذائل اخلاقیِ متعارف و در اخلاقِ متعالیه توحیدی، عبودی و حبی مبتنی بر نظام اسمائی قابل تبیین است و آنچه از علامه حسن زاده آملی در کتاب حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی در قالب دو نامه، ده مقاله و یک خاتمه و برخی مباحث اخلاقی دیگر از سنخ اخلاق عرفانی و از جنس اخلاق سلوکی است که ابحاث توحیدی، خلوص، علامات و اوصاف مومنین، تربیت و تهذیب نفس ناطق،اخلاق فاضله،فراغت از شواغل و موانع جسمانی عالم طبیعت،



[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

سعادت حقیقی، لذات روحانی، اشتیاق به خدا، احسان به خلق و امور اجتماعی مورد توجه دقیق و عمیق استاد علامه حسن زاده قرار گرفتند.

از سوی سوم نیز سلوک سلبی متناظر به احکامیات یا شریعت به معنای خاص مورد عنایت علامه حسن زاده بود و علامه به عدم ارتکاب گناهِ شرعی و محرمات به عنوان زیرساخت سلوک و انجام واجبات و کسب رزق حلال به عنوان مبنای سلوک الی الله توجه داشتند. بنابراین سلوک سلبی در حوزه های کلان سه گانه بهم پیوسته یعنی حوزه اعتقادی (بینشی)، اخلاقی (منشی) و احکامی (کنشی) بارمعنایی و مصداقی مخصوص به خود را خواهند داشت.

ساحات و سطوحِ سلوکِ سلبی

سلوک از ساحات متکثر بینشی- نگرشی، گرایشی- منشی و کنشی- روشی برخوردار است که هرکدام از آن ساحات (جنبه های عرضی در امتداد با هم)، دارای سطوح(لایه های باطنی طولی و تشکیکی) متعددی می باشد و در سلوک شرعیت محورانه به معنای خاص یعنی احکام وضعیه (طهارت ونجاست، صحت و بطلان ، مالکیّت، زوجیت و...) و احکام تکلیفیه (وجوب= آنچه باید، حرمت= آنچه نباید، استحباب= آنچه بهتر است انجام گیرد، اباحه= آنچه انجام دادن وترک آن فرقی ندارد و کراهت= آنچه بهتر است انجام نگیرد) که در مراتب بالاتر و والاتر سلوک احکام تکلیفیه پنجگانه به دو حکم وجوب و حرمت تبدیل شده و شریعت گرایی در مراحل سلوک اشتداد یافته و سالک سلوک متشرعانه و متعبدانه بیشتری خواهد داشت و اگر سلوک با شریعت به معنای عام لحاظ گردد که چنین است و شریعت تمامی ابعاد وجودی سالک و اضلاع بینشی، گرایشی و کنشی او را پوشش قرار خواهد داد، در این صورت گناه به معنای عام شامل همه ساحت ها و مراتب سلوکی خواهد شد و سلبِ گناه در سیر و سلوک را می توان در سه ساحتِ کلان ذیل بیان و تبیین کرد:

اعتقادیات (بینشی – نگرشی و معرفتی)

سلامت سلوکی در ساحت اعتقادیات مثل: سلب شک، شبهه و شرک یا شک، شبهه و شرک زدائی و تبدیل شک به یقین، شبهه به شفافیت و شرک به توحید با همه مراتب شک و شرک در سیر سلوک با هدف نیل به توحید علمی و عینی. چنانکه امیرالمومنین علی(ع) فرمود:" لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا وَ يَقِينَكُمْ شَكّاً إِذَا عَلِمْتُمْ فَاعْمَلُوا وَ إِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَاقدموا: علم خود را به مثابه نادانی و یقین خود را به مثابه شک قرار ندهید، تا در دانایی عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید(۲) به تعبیر علامه حسن زاده آملی:" ارزش انسان به معارف است ، پس بهترین ظرف های علم - یعنی نفوس انسانی - آن ظرفی است که گنجایش آن بیشتر است ، چنان که حضرت مولا علی علیه السلام با شاگرد نامدارش کمیل - رضوان الله تعالی علیه - فرمود:"یا کمیل ! ان هذه القلوب اوعیه ، فخیرها اوعاها"یعنی ای کمیل ! این دل ها ظرف ها هستند، پس بهترین آنها آن دلی است که ظرفیت و گنجایش او بیشتر است"(۲۵) علامه حسن زاده آملی فرمود:" عارف حسرت از دست رفتن چیزی جز یادِخدا را نمی خورد؛ زیرا جز خدا را نمی بیند؛ وبرای امور دیگر که فانی اند، متأسّف نمی شود :"كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ"."(۲۶).

علامه حسن زاده آملی فرمود:"نفس را عادت ندهید که خلاف فکر کند و خلاف بیندیشد و دروغ بگوید، ولو به مطایبه باشد، زیرا به همین اندازه که به خلاف گرایش پیدا کرد، در کارش و خوابش اثر میگذارد، و خوابهایش پریشان میشود و هرچه افکار آلوده شود، و انسان نیات کج و معوج داشته باشد، در وی اثر میگذارد"(۷) یا نوشته اند:" آن که در صقع ذات خود با تمثلات ملکی همدم و هم سخن نباشد باید با چه اشباح و خیالات هم دهن باشد ؟!"(۲۷) و فرمود:" چنگ زدن به عالم طبیعت و فرو رفتن در آن ، که عالم کثرت و اختلاف است مبدل به حایل و حجاب میگردد"(۲۸) و درمقام گفتگو فرمود:" هر کسی وظیفه‌اش این است که باید

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

انسان قرآنی بشود. انسان قرآنی کسی است که: لا یَمَسُّهُ إِلّا الْمُطَهّرُونَ، حرف میزند پاک، غذا می‌خورد پاک، می‌بیند پاک، خیالش طاهر، ذکرش، عقلش، قَلَمش، امضایش، شهادتش، کسب و کارش، همه قرآنی است. چون انسان آنچه را می‌شنود، آنچه را می‌بیند، همه را مسّ می‌کند و انسان قرآنی کسی است که "لا یَمَسُّهُ إِلّا الْمُطَهّرُون"."(۲۹) همانگونه که در جای دیگری فرمود:" اگر سالک با اقوال و افعال و اخلاق نیک ملازمت نماید ، انوار معارف بر وی ظاهر می گردد و حقایق اشیاء گاهی بر وی منکشف شود و از هستی خود بمیرد و به هستی خدای زنده گردد"(۲۱). علامه در قالب ایجابی نیز به محتوای سلبی بصورت دلالت التزامی فرمود:" فکر و ذکر را دو بال مرغ جان ملکوتیّت در طیران و عروج به اوج سعادتت بدان و بدان که خیالات تو تنها کاری که برای تو کرده این است که تو را از سیر به دیار ملکوت یعنی از «طیران» و «عروج» باز داشته اند. پس خیالات را برای حیوانات بگذار، تو انسانی با عقل و عاقل و معقول باشد"(همو، ۱۳۷۱، ص ۵۲) چنانکه:" اگر سالک با اقوال و افعال و اخلاق نیک ملازمت نماید ، انوار معارف بر وی ظاهر می گردد و حقایق اشیاء گاهی بر وی منکشف شود و از هستی خود بمیرد و به هستی خدای زنده گردد"(۲۷)

اخلاقیات (گرایشی – منشی و تربیتی)

مثل: سلبِ شهوت و شهرت یا شهوت گریزی و شهرت ستیزی که با عنوان"مشتهیات الانفس" قابل بیان و تبیین است.(امام خمینی(رض) در توضیح این مطلب می‌نویسد: «اما دلیل بر آن که «فریضه عادله» راجع به علم اخلاق است، توصیف «فریضه» است به «عادله». زیرا که خُلق حَسَن، چنانچه در آن علم مقرر است، خروج از حد افراط و تفریط است؛ و هریک از دو طرفِ افراط و تفریط مذموم، و «عدالت» که حد وسط و «تعدیل» بین آنهاست، مستحسن است»(۳۰). بدین سان ملکات وجودی انسان و اخلاقیاتِ صادق و طاهر سرچشمه فعل و انفعالات سلوکیِ سالک در سیر بسوی مسلوک الیه خواهد شد (۳۱).

احکامیات (کنشی – رفتاری و روشی)

مثل: سلبِ میل به گناه از هرنوع آن یا ترک محرمات(محرمات شرعی و شآنی= شان سلوکی، صنفی ومقاماتی دنیوی و اُخروی از بابِ"حسنات الابرارسئیات المقربین" که به ترک مباحات و مکروهات نیز می انجامد) و طلب و توفیق انجام واجبات و مستحبات که به مراقبه عام،خاص و اخص می انجامد و یکی از مصادیق مراقبتِ نفس، عدم انس با "نامحرمان"(نامحرمان سلوکی که اعم از مردان و زنان نامحرم هستند. یعنی غافلان) عامل زیربنایی سیر و سلوک به سوی محبوب می باشد. علامه در این زمینه فرمود:" اساس تقوی دو چیز است؛۱. ألتعظیم لأمر الله بزرگ شمردن امر خدا ۲. و ألشفقه علی خلق ألله. شفقت و دلسوزی به خلق خدا"(۲۴).

مراحل سلوک سلبی

شنیدی که اهل سلوک گفته اند از مقام "محو" به "محق" و سپس "طمس" می رسی(ر.ک: ۳۲)؟ به تعبیر بزرگمرد عالم سلوک علامه حسن زاده آملی:" جزای فنای فی الله، بقای بالله است"(۲۶). "تجلیه"(تعبد و تقید به شرع) یعنی انسان قوای نفس و اعضای بدن را به انقیاد از دستورات دینی وادار کند و با انجام دادن واجبات و ترک محرمات و در کل با رعایت احکام دینی، به طهارت صوری و ظاهری دست یابد."تخلیه"(پیراستگی از آلودگی) یعنی انسان با رفع ناپاکی‌های درونی و زدودن رزایل اخلاقی مانند بخل، حسد، خودبینی و غرور و ... زمینه را برای اتصاف به فضایل اخلاقی مستعد نماید. "تحلیه"(آراستگی به پاکی ها) یعنی انسان با کسب فضایل اخلاقی به طهارت باطنی دست یابد و جانش را برای فیض‌ها و عطایایی وهبی الهی و مقام فنا مستعد سازد. علامه نیز در مقام پرسش و پاسخ از طهارت ظاهری و باطنی سخن گفت:" سوال: نخستین مرحله تهذیب نفس چیست؟ علامه حسن زاده آملی برای طهارت باطن، نخست باید دوام طهارت ظاهری را حفظ کرد و طهارت بدن را مراعات نمود، اعضاء و جوارح ظاهری باید کنترل شود. زبان آفت بدی است ، انسان سالک باید سعی کند زبانش را باعقل بگرداند!

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]



مصادیقی از سلوک سلبی

در سلوک سلبی مواردی وجود دارد که سلب یا مواجهه سلبی با آنها، راز و رمز فتوحات معنوی است که برخی از آنها عبارتند از:

سلبِ خودگرایی و خودپرستی

در سیر و سلوک رهائی از خودخاکی، من سفلی، خود طبیعی و اثبات هستی برای خود، حجاب سلوکی بوده و راه را به روی رونده بسوی هدف می بندد که در مجامع حدیثی و روائی یا معارف اهل بیتی نیز بدان اشاره شده است مثل:

امام کاظم(ع) فرمود:"لیسَ بَینَه و بَینَ خَلقِه حِجابٌ غیرُ خَلقِه إحتجبَ بِغیرِ حِجابٍ محجوبٍ واستَتَرُ بِغیرِ سَترٍ مستورٍ؛"(۳۳) (میان او و مخلوقاتش جز خلق او حجابی نیست. او در حجاب شده است، بدون آنکه حجابی او را بپوشاند و پنهان شده است بدون آنکه پنهان کننده ای پنهانش ساخته باشد) و امام صادق(ع) فرمود: امام صادق(ع) می‌فرماید: "بین بنده و خدا هیچ پرده ای تاریک تر و ترسناک تر از نفس و هوی نیست"(۳۴) و امام زین العابدین(ع) نیز در دعای شریف ابوحمزه فرمود: «و انّ الرّاحل الیک قریب المسافۀ»؛ پروردگارا! کسی که به سمت تو بیاید، راهش نزدیک است. عمده، عزم کردن، حرکت کردن و همت گماشتن است. «و انّک لا تحتجب عن خلقک الّا ان تحجبهم الأعمال دونک(۵) علامه حسن زاده نوشته اند:" اگر انسان ها خود را پاک کنند و به آنچه که حق و اصیل است روی آورند، معنای توحید و فنا را می فهمند و موحد میگردند، و توحیدشان بنابر نهجی میشود که خداوند متعال بدون تنزیه محض و تشبیه باطل در قرآن فرموده است "هُوَ الْأَوّلُ وَالْآخِرُ وَالظّاهِرُ وَالْبَاطِنُ" خلاف و نزاع از میان برداشته میشود و با اهل معرفت مشاجره نمیکنند که چرا میگویید "ما خدایی را که نمی بینیم عبادت نمیکنیم"."(۲۸) و در جای دیگری فرمود:" آن کس که تعلق دارد تا از تعلقات دست نکشد و توحد پیدا نکند به حقایق و شهود آنها راه نمی یابد"(۳۵)

پاکسازی صحنه زندگی از غیر خدا

عارفان در سلوک سلبی به نکته ای نغز و پرمغز اشاره کرده اند که دو مورد آن را ذکر می کنیم: الف) نشانی داده‌اند اهل خرابات که «التوحید اسقاط الاضافات»

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

(۳۶). استاد علامه حسن زاده آملی نوشته اند:" شب دوشنبه ۲۳ ربیع الاول سال ۱۳۸۷ هجری یکی از اساتیدم (حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی) را در خواب دیدم که رساله سیر و سلوکی را به من داده ، فرمود: التوحید ان تنسی غیرالله یعنی : ((توحید این است که غیر خدا را فراموش کنی)). وقتی نزد ایشان رفتم و آن چه در خواب دیده بودم ، بیان نمودم فرمود: نشانی داده اندت از خرابات که التوحید اسقاط الاضافات" (۳۶).

ب) به تعبیر بزرگان اهل معرفت:"لاموثرفی الوجود الا الله" و چه زیبا خدای سبحان فرمود:" رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا اِلهَ اِلا هُوَ فَاتّخِذْهُ وَکیلا "(مزمل: ۹) در اینجا لازم است اشاره به شرک خفی،"وما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون"(۱) و اینکه بر اساس دیدگاه ابن فناری گناه شرک است نیز داشته باشیم.

سلب بی نیازی از خود

درک و دریافت نیاز ذاتی یا سلب بی نیازی از خود در همه مراتب سلوکی کلید کمال و طریق وصال به حق تبارک و تعالی است که از راه معرفت نفس شهودی قابل درک و دریافت می باشد. اینجاست که سه گانه:"رونده"، "راه" و "هدف"، دوگانه: "راه" و "هدف" شده و در پایان و نهایت سلوکی به یگانه "هدف" تبدیل خواهد شد. آیات فراوانی بر این حقایق دلالت می کنند مثل: "یَا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَی اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ"(۱) که نیل به توحید افعالی، صفاتی و ذاتی در همین مقوله قابل تبیین است که فنای سه گانه فعلی، صفاتی و ذاتی را در بردارد و سالک در سلوک تا شهود به مقام "موت اکبر" که موت اختیاری است، می رسد.

سلب غیر خدا در سلوک بسوی خدا

مقام اخلاص در سلوک سلبی مقامی منیع و دارای کارکردهای سلوکی بسیار و بلکه حقیقت و روح سلوک تا شهود است. «اخلاص» به معنای خالص کردن، پاک گردانیدن و سالم گشتن از آمیختگی است (۱۷). اخلاص مطلق که اخلاص صدیقان است و از هرگونه آمیختگی پیراسته است؛ با رسیدن به درجه بالای اخلاص، حقیقت آیه «أَلا لِلَّهِ الدِّینُ الْخالِصُ"(۱) آگاه باشید که دین خالص از آن خداست» در وجود شخص تجلی می یابد و در این حالت، سالک نه خود را می بیند و نه مخلوقات را؛ بلکه فقط در طریق دین و عبودیت گام می نهد (۳۷). چنین شخصی، حتی به اخلاص خود نیز نظر ندارد(۳۸).

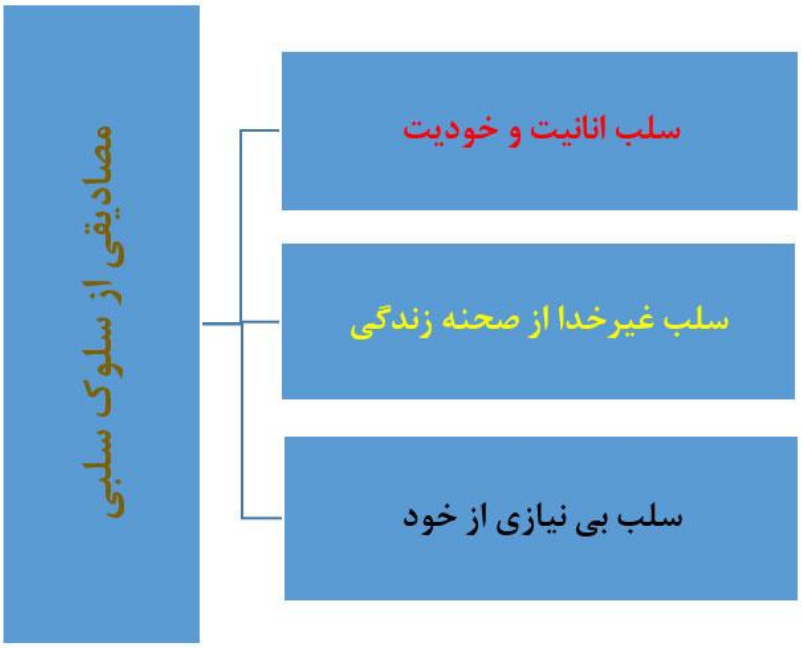
الزامات سلوک سلبی

سلوک به سوی خدا، الزامات و شرائطی دارد که در این نوشتار به الزامات سلبی و شرائط منتهی به سلب را طرح و تحلیل خواهیم کرد:

سلوک سلبی ولائی

و چه متقن و محکم علامه حسن زاده آملی مرقوم داشته‌اند: «عرفان بی‌ولایت چنان است که گویی عقل بی‌درایت"(۴۰) زیرا وسائط فیض در همه ساحت ها و سطوح آن ذوات قدسی اند که تکوین و تشریع بواسطه آنان آفریده شده و محقق شد و در منشور جامع شیعی یعنی زیارت جامعه کبیره به این حقایق اشاره شده است. علامه حسن زاده آملی فرمودند (در شرح حدیث نبوی) و توسعه «آل»: «کل تقّی و نقّی آل» (۸) شما تقّی و نقّی باشید که صلوات همگان شب و روز عاید شما بشود که: اللهم صل علی محمد و آل محمد و «آل» را مراتب است، از آن آلی که عترتند تا برسد به آن آلی که خوشه‌چین خرمن آن بزرگان هستند. غرض آن که باید آل و اهل او بود. باید این انتساب محفوظ باشد و الاّ تا نفس پاک نشده باشد، انسان به جایی نمی‌رسد (۱۲) و راه ولایت الهیه به روی همگان باز و آدمیان با ظرفیت‌ها و استعدادهای متنوع به سوی آن فراخوان شده‌اند تا هر فردی به مقدار سعه وجودی و سلوکی‌اش به مشاهده اسرار عالم بپردازد. که علم به اسرار غیب مخصوص انبیاء نیست و وجود «بدلاء» و «اوتاد» و «خلفاء» و «اقطاب» به زبان عرفانی که در لسان مبارک پیامبر عظیم‌الشأن اسلام نیز وارد شده است(پیامبرص فرمود: در امت من همیشه چهل کس بر خُلق ابراهیم باشند و این چهل

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]



کس «بدلاء» اند و هفت کس بر خلق موسی(ع) بودند و ایشان «اوتاد»ند و سه کس بر خلق عیسی(ع) باشند و ایشان «خلفاء»اند و یک کس بر خلق محمّد(ص) باشد و او «قطب» است.). ناظر به همین مقام و منزلت سالکان کوی حق و واصلان به لقاء رب است و معنای اینکه «فلان علی مشهد فلان» و «فلان علی مشرب فلان، فلان علی قلب فلان، فلان علی لسان فلان» به تعبیری «کلامی کامل در غایت جودت است» (۴۰) یعنی که: «فیض هر دو از یک جنس می‌رسد» (۳۲) یا در حدیثی وارد شده است که «لایزال طائفهٔ من امّتی ظاهرین علی الحقّ الی آن تقوم السّاعه» (۳۲).

الزامات ِسلوک ِسلبی

سلوک به سوی خدا، الزامات و شرائطی دارد که در این نوشتار به الزامات سلبی و شرائط منتهی به سلب را طرح و تحلیل خواهیم کرد:

سلوک سلبی ولائی

و چه متقن و محکم علامه حسن زاده آملی مرقوم داشته‌اند: «عرفان بی‌ولایت چنان است که گویی عقل بی‌درایت"(۴۰) زیرا وسائط فیض در همه ساحت ها و سطوح آن ذوات قدسی اند که تکوین و تشریع بواسطه آنان آفریده شده و محقق شد و در منشور جامع شیعی یعنی زیارت جامعه کبیره به این حقایق اشاره شده است. علامه حسن زاده آملی فرمودند (در شرح حدیث نبوی) و توسعه «آل»: «کل تقّی و نقّی آل» (۸) شما تقّی و نقّی باشید که صلوات همگان شب و روز عاید شما بشود که: اللهم صل علی محمد و آل محمد و «آل» را مراتب است، از آن آلی که عترتند تا برسد به آن آلی که خوشه‌چین خرمن آن بزرگان هستند. غرض آن که باید آل و اهل او بود. باید این انتساب محفوظ باشد و الاّ تا نفس پاک نشده باشد، انسان به جایی نمی‌رسد (۱۲) و راه ولایت الهیه به روی همگان باز و آدمیان با ظرفیت‌ها و استعدادهای متنوع به سوی آن فراخوان شده‌اند تا هر فردی به مقدار سعه وجودی و سلوکی‌اش به مشاهده اسرار عالم بپردازد. که علم به اسرار غیب مخصوص انبیاء نیست و وجود «بدلاء» و «اوتاد» و «خلفاء» و «اقطاب» به زبان عرفانی که در لسان مبارک پیامبر عظیم‌الشأن اسلام نیز وارد شده است(پیامبرص فرمود: در امت من همیشه چهل کس بر خُلق ابراهیم باشند و این چهل کس «بدلاء» اند و هفت کس بر خلق موسی(ع) بودند و ایشان «اوتاد»ند و سه کس بر خلق عیسی(ع) باشند و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

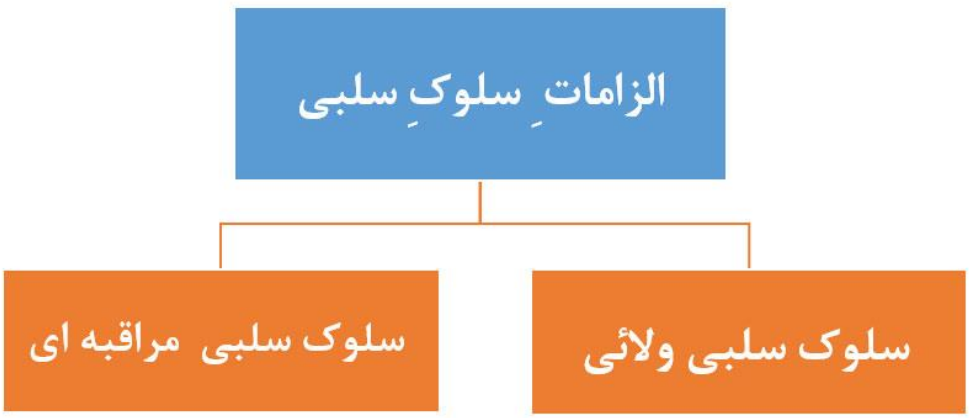
ایشان «خلفاء»اند و یک کس بر خلق محمّد(ص) باشد و او «قطب» است.). ناظر به همین مقام و منزلت سالکان کوی حق و واصلان به لقاء رب است و معنای اینکه «فلان علی مشهد فلان» و «فلان علی مشرب فلان، فلان علی قلب فلان، فلان علی لسان فلان» به تعبیری «کلامی کامل در غایت جودت است» (۴۰) یعنی که: «فیض هر دو از یک جنس می‌رسد» (۳۲) یا در حدیثی وارد شده است که «لایزال طائفهٔ من امّتی ظاهرین علی الحقّ الی آن تقوم السّاعه» (۳۲).

سلوک سلبی مراقبه ای

مراقبه که بمعنای متوجه و ملتفت خود بودن یا کشیک نفس کشیدن است و کشیک نفس کشیدن، کشکی نیست و به تعبیر بزرگان اهل معرفت و مراقبت، عرفان"با مژه کوه کندن است"،وبه تعبیر عارفی صمدانی:"تا جان به لب رسید، تاجام به لب رسید"(۳) مراقبت در سه ساحت:۱- مراقبت قبل از سلوک ۲- مراقبت حین سلوک ۳- مراقبت بعد از سلوک باید حضور بالفعل و ظهور فعال داشته باشد و که سالک مهالک بی شماری را در مسیر سلوک تجربه خواهد کرد و مواجهه اش با هرمهلکه باید با مهالک دیگر متفاوت باشد، بنابراین سالک هماره باید بیدار و هشیار باشد و به تعبیر بلیغ و عمیق قرآنی:"یا ایها الذین امنوا علیکم انفسکم" که شاید یکی از معانی منیع "علیکم انفسکم"(۱).

خلاصه این که آنچه در خواب و بیداری نصیب هر کسی می‌شود میوه‌هایی است که از کمون شجره وجود او بروز می کند و اختلاف امزجه را دخلی تمام در واردات و القاءات و منامات است"(۴۲) و در حدیثی که عامه و امامیه از رسول خدا (ص) نقل کرده اند، حضرت فرمودند:"لولاتکثیرفی کلامکم و تمریج فی قلویکم لرآیتم ما ارای و لسمعتم ما اسمع"(۳۹) که پیام اصلی حدیث نبوی مراقبت نفس است و هرکسی از زبان و دل خویش و تمامی اعضای ظاهری و باطنی اش مراقبت کند، به مقام مشاهده حقایق بار می یابد. پس مراقبت نفس می باید تا سالک تمامی اعمال سلوکی اش را برای خدا و نه کشف و کرامات انجام دهد و این است راز سخن شیخ الرئیس در نمط نهم اشارات که:"من آثرالعرفان للعرفان فقد قال بالثانی"(۴۳). چه خوش فرمود علامه حسن زاده آملی که:" ذغال نمناکی در کنار آتش باید بتدریج مستعد بشودتا آتش در او اثر بگذارد و آتش بگیرد و مشتعل بشود، اگر همینکه مقداری از رطوبت او خشک و تا حدی قابلیت برای آتش گرفتن پیدا کرد، آنرا از آتش دور کنند و هزاران بار با آن چنین کنند، هرگز آن ذغال آتش نمی گیرد.

چه حکیمانه علامه حسن زاده آملی فرمودند که:" گوش انسان دهان جان اوست ، از این دهان میتوانیم این کتاب (قرآن) را تحصیل کنیم و این قول ثقیل را حمل نماییم و به اسرار آن برسیم. به هر جا رسیده اید این کتاب شما را بالا میبرد . یک آیه برای یک شخص روزنه ای است ، همان آیه برای شخص دیگر دروازه ای است . و



[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

برای دیگری جهانی و برای دیگری جهانهایی ، تا بینش و قابلیت و قوه ی هاضمه کسانی که در این سفره نشسته اند چه اندازه باشد . سفره پهن است و قابلیت و استعداد هم به انسان داده اند که اسباب جمع داری و شما را دعوت هم فرموده اند و دست رد به سینه ی کسی نمی زنند، و کبر و ناز و حاجب و در بان در این در گاه نیست بلکه ناز شما را هم میکشند. به قول کمال اصفهانی:

بر ضیافت خانه فیض نوالت منع نیست
در گشاده ست و صلا در داده خوان انداخته

این ضیافت خانه خدا نوالش همواره وقف عام است خوان انداخته اند و صلا هم در داده اند ، چه کسی از روی صدق گفت آمدم و به مقصد نرسید؟ به مجاز این سخن نمی گویم
به حقیقت نگفته ای الله"(۴۴)

نتیجه‌گیری

مکتب سلوکی علامه حسن زاده آملی(رض)، مکتبی جدای از مکاتب سلوکی عارفان الهی و عالمان ربانی، از جمله عرفان مکتب اخلاقی عرفانی نجف نیست، بویژه آنکه ایشان تحت تربیت سلوکی آیه الله محمدحسن و علامه محمدحسین طباطبایی بود. در نتیجه معرفت نفس، مراقبت نفس و محاسبت نفس از حیث بنیادهای معرفتی و تربیتی و تبعیت کامل از شریعت حقه محمدیه(ص) از حیث باید و نبایدهای سلوکی زیرساخت سلوک ایشان بود و در سلوک متشرعانه، سلوک سلبی یا عدم معصیت در طی مقامات معنوی تا فتوحات غیبی از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و این عدم معصیت با نگاه شمولیت سلوکی، شاملِ همه ساحات و سطوحِ سلوکی می شد. درمقاله حاضر نیز سلوک سلبی در ساحات و سطوحِ بینشی- نگرشی(اعتقادیات)، گرایشی- منشی(اخلاقیات و تربیت معنوی) و کنشی- روشی (احکامیات، فعل و انفعالات و مناسبات رفتاری) ساری و جاری بود و سلوک سلبی در طول سلوک ایجابی معنادار و سرچشمه برکات معنوی و طی طریقت توحیدی – ولائی است، زیرا سلوک سلبی و ایجابی بصورت منظومه ای و درهم تنیده سالک توحیدی را به سرمنزل مقصود و غایت قصوای معرفت و معنویت سوق و سیر می دهند تا به مقام فنای تام و آنگاه شهود قلبی جمال رب و وجه الله نائل گردد. در این نوشتار به سلبِ شک، شبهه و شرک در ساحت اعتقادی، سلبِ مشتهیات انفسی، شهوت، شکم و شهرت طلبی در ساحت اخلاقی و سلبِ میل به گناه ، وقوع در محرمات و مشتبهات و گریز از گناهان شرعی و شأنی(شأن سلوکی) اشاره شده و در طی منازل سلوکی و مراتب متناظر به هر منزل نیز سلبِ انانیت، غیرخدا و بی نیازی از خدا پرداخته شد و به مسئله دوری از نامحرمانِ سلوک تا شهود در مقام مراقبه از هر جنسیتی(در واقع نامحرم در اینجا، صرف نامحرم شرعی از جنس مخالف نیست، بلکه نامحرم شأنی و نامحرمان خلوت انس و عرصه سلوک مطرح هست که جنسیت بردار نیست و فراجنسیتی است) یکی از مسائل سلوکِ سلبی در مکتب سلوکی علامه است نیز اهتمام ورزیده شد. سلوک ولائی و مراقبت سلوکی در تمام مراحل و مراتب نیز از جمله مواردی است که به رشته نوشته درآمد.

حمایت مالی

بنا بر اظهار مؤلفان مقاله، این پژوهش حامی مالی نداشته و با هزینه شخصی مؤلفان انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

تمامی اصول اخلاقی مرتبط در این پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع

نویسندگان اعالم میکنند که تضاد منافعی در این تحقیق وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمام افرادی که در انجام پژوهش مساعدت کردند، کمال تشکر را داریم.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

References

1. Qur'an
2. Sharif Razi AH. Nahj al-Balagha.
3. Hasanzadeh Amoli H. The Divine letter. Bustan Ketab. 2002.
4. Motahhari M. An Introduction to the Qur'an. Sadra. 2020.
5. Qomi A. Mafatih al-Jinan. Fāṭima al-Zahrā. 2002.
6. Tabarsi FH. Majma‘al-bayān. Dar Al-Ma'rifa. 1986.
7. Hasanzadeh Amoli H. Persian description of al-asfar al-arba‘a Mulla Sadra Shirazi. Bustan Ketab. 2013.
8. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Dar aIhya Al-Torath al-Arabi. 1989.
9. Kulayni MiY. Al-Kafi. Tehran. Dar al-Kotob al-Islamiya. 1986.
10. Motahhari M. Spritulity freedom. Sadra. 1999.
11. Motaqi H, Alaoddin A. Kanz al-Ammal fi Sunan al-Aqwal and al-Afaal. Dar al-Kotob al-Elmiya. 2003.
12. Hasanzadeh Amoli H. Description lessons of Al-isharat wa al-tanbihat. Religious press. 2004.
13. Motahhari M. A selection of Philosophical articles. Hekmat Publication. 1987.
14. Fanari H, Mohammad Khajavi. Mola. 1995
15. Farahidi, KhiA. Al-'Ayn. Hejrat. 1989.
16. Raghib, HiM. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Dar al-Qalam. 1991.
17. ibn Manzūr, Muhammad ibn Mukarram. Lisan al-Arab. Dar Sader. 1995.
18. Ibn Faris A. Sahib al-Jawaib. Daral Ansar Publications. 1993.
19. Hosseini Tehrani MH. Lab al-Lab treatise on the course and conduct of Olwal al-Lab. Mashhad. Allamah Tabātabāī Publications. 2002.
20. al-Tusi NalDin. Awsaf al-Ashraf. Imam Publications. 1983.
21. Hasanzadeh Amoli H. Nosos al-Hikam fi Fusus al-Hikam. Raja Cultural Publishing Center. 1986.
22. Kashani AalR. Sufi terminology. Hekmat Publications. 2003.
23. Hasanzadeh Amoli H. Patrol in motion. Raja Cultural Publishing Center. 2005.
24. Hasanzadeh Amoli H. A thousand and one points. Raja Cultural Publishing Center. 1985.
25. Hasanzadeh Amoli H. Treasure of Gohar Ravan. Toubi Prose Publications. 2007.
26. Hasanzadeh Amoli H. One thousand and one words. Bustan Book. 2005.
27. Hasanzadeh Amoli H. A hundred words in self-knowledge. Qiyam Publications. 1992.
28. Hasanzadeh Amoli H. Meet God. 1996.
29. Badiei M. Interview with Allameh Hassanzadeh Amoli. Shi'i Publications. 2001.
30. Imam Khomeini R. Forty Hadith. The Institute for Compilation and publication of the work of Imam Khomeini. 1994.
31. Hasanzadeh Amoli H. Practical Philosophy or Mortazavi ethics. Qiyam Publications. 1995.
32. Hasanzadeh Amoli H. One thousand and one words. Bustan Book. 2001.
33. Qasi Saʿid Qomi M. Description of al-Saduq's Tohid. Publications of the Ministry of Islamic Culture and Guidance. 1994.
34. Qomi A. Seas ship. Oswa. 1995.
35. Hasanzadeh Amoli H. Description lessons of Fusus al-Hikam. Bustan Book. 2008.
36. Shabestari M. Gulshan Raz. Eshraq Publications. 1988.
37. al-Ansari A. Manāzel al-Sā'erīn. Bidar Publications. without date.
38. Meybodi Rashiduddin A. Revealing secrets and the promise of the righteous. Amirkabir. 2014.
39. Tabātabāī MH. Tafsir al-Mizan. Alami Publications Foundation. 2014.
40. Khwarazmi T. Description of Fusus al-Hikam. Bustan Book. 1998.
41. Hasanzadeh Amoli H. Extend motivation fi Description of Fusus al-Hikam. Publications of the Ministry of Islamic Culture and Guidance. 1999.
42. Hasanzadeh Amoli H. Man in the tradition of mysticism. Soroush Publications. 2000.
43. Ibn Sina. Al-isharat wa al-tanbihat. Religious press. without date.
44. Hasanzadeh Amoli H. Human and Qur'an. Alef lam mim. 2004.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]